

ASSEMBLÉE
THERMAL
N les BAINS

ASPIRATOIRES
ASTISMES
ARDITES
COLOGIE
MATOSES
MONTOSSES



شماره: ۶۳

جزوه مطالعاتی

قرارگاه شهید باقری



اسلام و مشکل اختلاف طبقاتی

امام موسی صدر

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ



imamsadr-news.com

می خواهند نور الهی را با سخنان خویش خاموش کنند و حال آنکه خداوند کمال بخش نور خویش است، و تو آنکه کافر آن ناخوش داشته باشی

they seek to extinguish the light of allah with their mouths; but allah will complete his light. much as the unbelievers dislike it.

فهرست

- ۵..... اختلاف طبقاتی چگونه بوجود می آید
- ۶..... تاثیر انقلاب صنعتی
- ۷..... دو راه حل
- ۸..... راه حل مارکسیسم و انتقاد آن
- ۱۰..... راه حل تامین حداقل زندگی و انتقاد آن
- ۱۱..... آیا زکات و خمس مالیات است؟ مالیات اسلامی چه بوده؟
- ۱۳..... راه حل اسلام برای مشکل مورد بحث
- ۱۵..... فقر در اسلام چیست؟
- ۱۵..... آیا فقر در زمانهای مختلف تغییر می کند
- ۱۶..... کیفیت اجزاء قانون زکات در این عصر
- ۱۷..... یک راه حل دیگر
- ۱۸..... اختلاف در چه مواردی باقی می ماند و ایا ضروری دارد؟

مقدمه

محیط مادی یعنی مجموعه عوامل مختلف و متنوعی که بر افراد بشر احاطه کرده است بطور محسوسی در وضع قیافه، قوای بدنی، غرائز، عواطف و حتی افکار و اندیشه های روی موثر است. آب و هوا، طرز تغذیه، رطوبت هوا، مقدار فشار جو، درجه حرارت، مناظری که در زندگی در مقابل شخص قرار می گیرد، آنچه در گوش او در ایام عمر طنین می افکند، سطح زندگی و وضع خاص خانوادگی و بالاخره همه شرایط و اوضاعی که بنام محیط، بشر را در دامن خود می پرورد، در تربیت روح و بدن انسان نقش بزرگی برعهده دارد.

این اصل را هر چند گروهی از فلاسفه مادی به طور مبالغه آمیزی پذیرفته و معتقد شده اند که همه قوای انسان فقط محصول محیط مادی اوست و عامل دیگری در پیدایش آن وجود ندارد ولی اصل این تاثیرات بطور اجمال مورد قبول همه متفکرین و فلاسفه می باشد، کشاورزی را که در محیط ساده دهکده چشم به جهان گشوده و در زندگی جز دشت پهناور و افق بیکران در جلو چشم مشاهده نموده، سخاوتمندی و گشاده دستی ابر و باد و خورشید را احساس کرده، از امانت و خلوص زمین بهره ها گرفته است، آرامش محیط، پاکی هوای ده، نظات آب اشامیدنی او، اعصاب او را سالم بار آورده، این چنین کشاورزی را نمی توان از نظر عواطف، کار و قیافه با کارگری مقایسه کرد که جز محیط محدود کارگاه، صدای یکنواخت موتورها، وظیفه ثابت ولایتیگر یک ماشین، افراد متراکم و مجتمع کارگرا و هوای سنگین و آلوده بگاز فضای کارخانه در اطرافش نبوده و نیست!!

ثروتمندی که در آسایش و تنعم زندگی کرده هر چه خواسته انجام یافته در راه تحصیل ثروت بیشتر یک مطالعه جزئی و یک فعالیت مختصر فکری برای او کافی بوده، مطلعین و متخصصین از هر رشته در خدمتش آماده بوده اند، طعم فقر و گرسنگی را نچشیده رنج بیماری بدون درمان را نبرده است، آیا می شود از لحاظ روحیه، عاطفه، ورزیدگی عضلات او را با خارکنی مقایسه

کنیم که هزاران جهاد در یک روز برای تامین معاش فقیرانه خود متحمل می شود و همه کارش را با تلاش های طاقت فرسا خودش بعهدہ دارد؟

و بالاخره جوانی که در محیط آزاد و بی بند و بار در آغوش شهوات و در دریای هوا و هوس غوطه ور بوده، نمی تواند مثل محصلی که زندگی را در محیط پاک و جدی و منظم آموزشگاه گذرانده است فکر کند، کار انجام دهد، عواطف مشابه و اعصاب یکسان داشته باشد. این اختلاف قوای بدنی و روحی و تنوع شکل بدن و روح و تفاوت عواطف و غرائز در همه آثار و شئون زندگی مشهود میگردد.

کیفیت معاش، عقاید دینی و اجتماعی، ادبیات و هنر آداب معاشرت، تربیت اولاد، طرز انتخاب مسکن، لباس، غذا و کلیه فعالیت های بشر تحت تاثیر شدید این اختلاف محیط مادی قرار می گیرد و این تفاوتها وقتی از یک نسل تجاوز کرد، به تدریج شدت می یابد و خود بخود این تفاوت جسمی و روحی، مادی و معنوی تبدیل بشکافهای عظیم صنفی، طبقه ای و ملی می شود و فاصله ها رفته رفته زیاد و زیاده تر می گردد.

تأثیر انقلاب صنعتی

انقلاب صنعتی، توسعه روز افزون سرمایه داری و تکامل وسائل ارتباط و بالاخره ایجاد تمرکز در همه شئون اجتماعات بشری، شرایط مساعدی برای تشدید این اختلاف و توسعه این شکاف در همه شئون و بخصوص در زندگی مادی مردم به وجود آورد. سرمایه های کوچک با مساعدت شرایط بسرمایه های بزرگ تبدیل شد و بتدریج کمپانیها، کارتلها و تراستها بوجود آورد، قدرت دولتها در مقابل قدرت این سازمانهای اقتصادی ناچیز شد، سرمایه های متوسط و ضعیف که نتوانست شرایط مساعدی تحصیل کند، به علت عدم امکان رقابت بتدریج از بین رفت، طبقات متوسط یا به طبقه اول مبدل شد و یا در سلسله طبقات ضعیف و محروم قرار گرفتند.

پیشرفت صنایع، توسعه بانکداری، سیستم های عالی تولید، استعمارممالک ضعیف و ایجاد بازارفروشهای جهانی و بالارفتن سطح زندگی بوسیله علوم و اختراعات، آنچنان سطح زندگی طبقات ممتاز را بالا برد که زندگیهای شاهانه گذشته ها را بخاطر می آورد و در مقابل فقر و فاقه مستمندان آنچنان جانگداز بنظر می آمد که هیچ شباهتی به زندگی باقی فقرای سابق نداشت.

گروهی، اطفال رنجور و گرسنه خود را به صحرا برای چرا فرستادند و جمعی برای سنگ و گربه خود وسائل باورنکردنی زندگی فراهم ساختند. قیمت یک پالتوی پوست خانمی از طرقات ممتاز برای امرار معاش یک خانواده، چند سال کافی بود و سرمایه ای برای یکی از هزاران کاسب جزء که همه روزه در محلات دور افتاده می بینیم میتواند باشد، فراهم بودن همه چیز، سلامتی، خدمتگذاری علم برای طبقات ممتاز، تحصیل را برای فرزندان آنها به بهترین شکلی آماده کرد و در نتیجه علم و صنعت و هنر هم در انحصار آنها درآمد.

فقدان وسائل و انحطاط سطح زندگی فقر و مرض در طبقات پائین امکان تحصیلات عالی را از فرزندان آنها گرفت و وسیله معالجه بدن رنجور و اعصاب فرسوده آنها را که از تغذیه نامناسب و آلودگی و کثافت مسکن و لباس آنها شدت می یافت برایشان فراهم ساخت و در نتیجه، وقت و فکر و حالی برای علم و معرفت نداشتند. رفته رفته جامعه از دو طبقه مشخص تشکیل شد. یک دسته دارای همه چیز شد و دیگری همه چیز را از دست داد. آینده این دو طبقه را هم به علت موجود بودن شرایط، درست مثل گذشته آنها با کمی شدیدتر باید دانست.

دو راه حل

این شکاف عظیم و این ظلم جانکاه که نتیجه طبیعی سازمانهای اجتماعی بود، بزرگترین رنج روحی را برای وجدانهای بیدار متفکرین فراهم می کرد و بزرگترین خطر را نیز در مقابل طبقات مرفه بوجود می آورد، و در نتیجه، مطالعه درباره علاج این بلای اجتماعی و این درد خطرناک شروع شد، معروفترین و مهمترین طریقه ای که برای درمان این درد و پرکردن این شکاف اندیشیده اند، دو رویه القاء سرمایه داری از ابزار تولید و تامین حداقل معیشت برای همه بود.

رویه اول یک رویه انقلابی محسوب می شود که بوسیله موسسین سوسیالیسم به دنیا عرضه شد و مارکس آنرا تکمیل کرد و انقلاب اکتبر در اتحاد جماهیر شوروی اجرا نمود ولی رویه دوم، انقلابی نبوده و در اکثر ممالک شرقی و مغرب زمین بصورت‌های گوناگون معمول است. در این مقاله سعی می شود بعد از توضیح و انتقاد این دو رویه راه حلی را که اسلام در نظر گرفته و اجرا نموده است توضیح دهیم.

راه حل مارکسیسم و انتقاد آن

مکتب مارکسیسم یا سوسیالیسم علمی معتقد است. اگر ابزار تولید را از مالکیت طبقه سرمایه دار بورژوا در آورده آنرا عمومی و ملی کنیم این مشکل حل خواهد شد. پیروان این مکتب می گویند تنها عامل تعیین کننده یک سیستم اجتماعی همان طرز تولید است و تنها موجب اختلاف طبقاتی در رژیم سرمایه داری اختصاص مالکیت ابزار تولید به طبقه بورژوا می باشد.

این تسلط بر وسائل تولید از قبیل کارخانه، بانکها، شرکتها، زمینهای زراعتی، معادن و غیره سبب شده که منافع، در اختیار مالکین و موسسین ابزار تولید درآید و شکاف طبقاتی عظیم بین این طبقه و طبقه کارگر (پرولتر) حاصل گردد.

و هرگاه این تفاوت اصلی و عظیم از بین برود، رفته رفته سطح زندگی در همه مردم یکسان شده و این یکنواختی در مزاج افراد، در قوای بدنی، در فکر، در اخلاق، در فرهنگ، در مذهب و ادب و هنر تاثیر خواهد کرد و در نتیجه جامعه ای که از یک طبقه تشکیل شده بوجود خواهد آمد که در همه چیز هم آهنگی خواهد داشت و حتی در طرز تفکر و کلیه رویه‌های اجتماع نیز متساوی و مشابه خواهند بود و بنابراین فقط و فقط باید مالکیت ابزار تولید و سرمایه های بزرگ را الغاء کرد.

ما در اینجا در مقام بحث در پایه های این نظریه از جهات فلسفی و اقتصادی و حتی سیاسی نیستیم و چون مشکلی را که در صدد پیدا کردن راه حل برای آن هستیم مشکل اختلاف طبقاتی است فقط بیک سوال اکتفا می کنیم.

آیا محیط مادی و شرایط خارجی که به اعتقاد شما خالق فکر و ایده و کلیه روبناهای اجتماع است و در نظر سایر متفکرین عامل موثر در ایجاد آنها است چه بود؟ آیا فقط و فقط مالکیت ابزار تولید بود؟ آیا برای ایجاد وحدت طبقه، بجای یکنواخت کردن هزاران عامل موثری که محیط از تشکیل می داد و علت ایجاد طبقات گوناگون اجتماع بود، فقط و فقط یکسان کردن یک عامل، هر چند مهم باشد، کافی نظر می رسد.

مگر شما خالق ایده و فکر و پدیده آورنده جسم و روح و موجد نیروهای بدنی و فکری را فقط داشتن یک کارخانه و نداشتن آن می دانستید؟ آیا می گفتید همه چیز و کلیه عوامل محیط را بوجود می آورد و این محیط مادی است که خالق و موثر است.

بنابراین شما باید برای ایجاد طبقه واحد، کلیه عوامل متنوع محیط را یکسان کنید و اگر نتوانستید دست ازین مدعی بردارید.

و بهمین دلیل در داخل کشورهای سوسیالیستی هم نتوانسته اید وحدت طبقه، یعنی، وحدت فکر، ایده، عاطفه، غریزه، تمایل و نیروهای بدنی ایجاد کنید. در چنین کشورها هر چند طبقه ای بنام بورژوا (سرمایه دار) یافت نمی شود ولی طبقات گوناگونی بنام افراد حزبی و افراد غیر حزبی بروکراتها (کارمندان)، مردم عادی، کشاورز، کارگر، جنگ دیده، نظامی وجود دارد که از هر جهت مخصوصا شرایط زندگی مادی و سطح زندگانی باهم متفاوت هستند. تجمل برای طبقه بوروکرات، حزبی، نظامیان تا آنجا میرسد که انسان را به یاد سیستم های فئودالیسته و سرمایه داری می اندازد.

افکار گوناگون و تمایلات مختلف حتی در بعضی از تربیت شده ها و رهبران حزبی دیده می شود که گاه و بیگاه به ارتجاع، تندروی، چپ روی خیانت، متهم و اخراج می شوند.

راز این اختلاف طبقاتی با شکل جدید روشن است چه عوامل مادی و شرایط پدید آورنده طبقه ها با تمام اختلافات در این رژیم باقی است و امکان زوال ندارد و با بقای علت چگونه میتوان انتظار داشت معلول رفع شود و مشکل ما حل گردد، گر چه یکی از عوامل مهم اختلاف، یعنی اختصاص ابزار تولید مرتفع شد و از انحصار درآمد. بخصوص که عامل توارث با ریشه های محکم خود اختلافات عظیم بدنی، فکری، هنری، اخلاقی و حتی سلیقه زندگی را نگاهداری می کند.

راه حل تامین حداقل زندگی و انعقاد آن

کشورهای مترقی سرمایه داری با یک سلسله قوانین و اقدامات اصلاحی یک حداقل معیشت که شامل غذا، لباس، مسکن است برای طبقات محروم و ضعیف در نظر گرفته اند و به عقیده خود، درمان این آلام اجتماعی را نموده اند.

در برابر این نظریه باید گفت شما با این تصمیم مسلما توانسته اید از مرگ طبقات ضعیف و محروم جلوگیری کنید و به این ترتیب دیگر طفلی به چرا نمیرود. از بی دوائی کسی نمیمیرد، در زمستان، هلاک از سرما نمی افتد.

ولی آیا با این وسیله این شکاف عظیم اختلاف طبقاتی را پر کرده اید؟ آیا این فاصله زیاد که به تدریج توسعه می یابد، باز برای اجتماع مشکلی ایجاد نمیکند؟ آیا زندگی تجملی و افسانه ای طبقه ثروتمند که برای ابد از دسترس طبقات محروم بدور است غضب و نارضایتی آنها را بر نمی انگیزد؟ آیا این دسته از خلق خدا که قوانین غلط اجتماعی آنها را محروم کرده است و هیچ نماینده ای در قانون گذاری و قوه مجریه ندارند، باید برای همیشه یک زندگی مرفه را در احلام و آرزوهای خود ببینند.

آیا زکات و خمس مالیات است؟ مالیات اسلامی چه بوده؟

دین اسلام با نظر واقع بینی این اختلاف طبقاتی را مطالعه کرده است از این اختلاف آنچه را که خطر ناک تشخیص داده است یعنی اختلاف در سطح زندگی مادی و آنچه از نتایج و آثار آنست علاج کرده و در سایر قسمتها با دستورات اخلاقی و تربیتی نتایج صحیحی از این اختلاف گرفته است.

تشريع خمس و زکات قانون مقدسی است که برای تبدیل زندگی طبقات مختلف وضع شده است، شاید در نخستین برخورد چنین تصور شود که خمس و زکات در شمار مالیاتهای اسلامی محسوب است و عده ای از نویسندگان هم بطور مسلم باین رای معتقد شده اند.

باید دانست که مالیات بر حسب تاریخ معانی متفاوتی داشته است، اگر مالیات را بر حسب معنی معروف و تاریخی آن به وجوهی که (دولت برای اداره سازمانهای خود و حفظ مملکت از تجاوز و امنیت داخلی و نظائر آن میگرد) تعریف کنیم بهیچ وجه خمس و زکات را نمی توان مالیات دانست.

مطالعه و دقت در آیات خمس و زکات و ادله تشريع این احکام الهی به خوبی مدعای ما را روشن می سازد.

آیه ۴۲ از سوره انفال إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَ الرِّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَ لَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَ لَكِنْ لَيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيْنِهِ وَ يُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيْنِهِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ

و بدانید که پنج یک منافع شما از هر چیز بخداوند متعال پیامبر او و امامان تعلق دارد و همینطور متعلق به یتیمان و فقرا و از وطن دور ماندگان است اگر به خدا آورده اید"

در آیه ۶۰ از سوره توبه آمده است إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

کلیه صدقات (زکوه) (بهشت قسمت تقسیم می شود) و متعلق است به فقرا و بینوایان و کارمندان زکات و کسانیکه میخواهد دل آنها را بدست آورید و برای بردگان و برای بدهکاران و در راه خدا و برای از وطن دور ماندگان و این قانون لازم الحراء از طرف خداوند است و خداوند دانا و مصلحت اندیش است.

روایات متعدد به مضمون این حدیث شریف وارد شده است، زراره و محمد بن مسلم به سند صحیح از حضرت صادق روایت می کنند که فرمود: «خداوند متعال در اموال اغنیاء و ثروتمندان حقی برای فقرا به مقدار کفاف آنها قرار داد و اگر میدانست این مقدار کفاف فقرا را نمی دهد زیادت تر قرار میداد»

با مطالعه و دقت در این سه دلیل وسایر ادله خمس و زکات روشن می شود که برای خمس شش مصرف و برای زکات هشت مصرف معین شده است. سه ششم از خمس که بنام سهم سادات معروف است و عشر منافع می شود. برای یتیم، فقیر، ابن سبیل، اختصاص داده شده است و در زکات پنج مصرف را فقیر، مسکین، بدهکار، برده و ابن سبیل تشکیل میدهد، سهم عالمین هم که در حقیقت بر وجه سازمان زکات محسوب می شود. سهم مولفه قلوبهم یک مصرف سیاسی است و سهم "سبیل الله" نیز بنا بر تعریف جمعی از فقهاء بزرگ میتواند هر نوع کار خیر باشد و شامل مصارف سیاسی دینی میگردد و در حال مسلم می شود که سهم سادات بطور درست و زکات بطور اکثر یعنی شش مصرف آن اختصاص به طبقات محروم اجتماع دارد. و بنابراین از وجوهی که به مصارف سازمانهای دولتی و امور عامه مسلمین برسد نمی باشد و بهمین دلیل اطلاق مالیات اسلامی بر آنها صحیح نیست.

لازم است متذکر شویم که در نیم قرن اخیر دولت در پاره ای از شئون مربوط به طبقات محروم به شکل بیمه های اجتماعی کارگران، بهداشت مجانی، نوا خانه ها و امثال آن مداخله می کند و برای این منظور مالیات مطالبه می کند و در این صورت میتوان اسم چنین مالیاتی را بر خمس و زکات اطلاق کرد.

در هر صورت منظور ما از این بحث یک مناقشه اصطلاحی نبوده بلکه مطلوب اثبات این حقیقت است که زکات و خمس برای رعایت و حمایت طبقات محروم وضع شده است، روایت گذشته با صراحت به این حقیقت گواه است.

برای تاکید و تایید این استنباط اضافه میکنیم که در پاره ای از روایات دیده می شود که مولا امیرالمومنین (ع) بر قسمتی از اموال مسلمانان در ایام خلافت مالیات قرار دادند، چنانکه از حدیث معتبر و صحیح که زراره و محمد بن مسلم از حضرت باقر و صادق علیهما السلام نقل کرده اند به دست می آید، فرمود: «وضع امیرالمومنین (ع) علی الخیل العتاق الراعیه فی کل فرس فی کل عام دینارین و جعل البراذین دینارا»

حضرت علی (ع) در هر سال بر هر اسبی دو دینار و بر هر الاغی یک قرار داد ، از مشاهده تغییر "وضع" روشن می شود که مالیاتهای خاصی در صورت لزوم مقرر می شده است و برای تامین سازمان حکومتی از اموال مخصوصی مطالبه می گردیده. این مالیاتها در هنگام تعبیر و نقل بلفظ وضع امیرالمومنین علی (ع) نقل شده نه مثل روایات و آیاتی که برای وضع و تشریح زکات و خمس وارد شده است، هر چند جماعتی از فقهاء بزرگ، روایت یاد شده را دلیل بر استجاب زکات گرفته اند ولی از ظاهر عبارت آنچه گفته شد بدست می آید و در هر صورت در عبارات زکات و خمس کمتر چنین تعبیری یافت می شود.

راه حل اسلام برای مشکل مورد بحث

حال ببینیم قانون خمس و زکات برای حل مشکل ما یعنی اختلاف طبقاتی چگونه تاثیری خواهد داشت. در دو آیه شریفه و روایتی که گذشت روشن شد که مصرف خمس و زکات طبقات مستمند هستند همانطور که مفهوم روایت گذشته این بود که به مقداری که اغنیاء باید پردازند به طور حتم کفاف معیشت فقرا را میدهد.

و اینک چند روایت زیر توجه نمایند

۱- حضرت صادق(ع) پرداخت زکات را به مردی که آبرومند است و خانه و خادم دارد تجویز میفرماید و روایات بسیار باین مضمون وارد شده یعنی داشتن خدم و حشم و خانه و حتی شتر چنانکه در روایت اسماعیل بن عبدالعزیز آمده است مانع از زکات نیست، در صورتیکه در آمدش کفاف شان را نکند

۲- در این حدیث برای کسی که در آمد ثابتی از اقوام خود دارد ولی در وسعت نیست زکات گرفتن به منظور توسعه زندگی تجویز شده است.

۳- روایات بی شماری در باب زکات آمده است که با زکات حج بجا آورد و میتوان به فقیری آنقدر زکات داد تا غنی شود تا آنجا که در یکی از این احادیث "کافی_عاصم ابن حمید از ابی نصیر" وارد شده که شخصی بعلت آنکه پیرمرد مستحق گوشت و خرما میخورد و کمی با توسعه زندگی میکند از دادن زکات به او خودداری کرده است، در مقابل، حضرت صادق علیه السلام با تأثر و تعجب باو متذکر می شوند که خداوند متعال حساب مخارج فقرا را از خوردن و آشامیدن و لباس پوشیدن و ازدواج و حتی صدقه دادن و حج کردن فرموده و آنگاه به مقدار کفایت این مخارج (و نه کمتر از این مقدار) بر اغنیاء واجب نمود و در اموالشان حتی فقراء را معین کرد.

فقر در اسلام چیست؟

اکنون که خواننده عزیز این روایات را با دقت مطالعه کرد برای آنکه بهتر به مقصود اصلی از این مقاله پی برد به نکته زیر توجه فرمایید

در همه آیات و روایات زکات و خمس نام از فقیر و مسکن برده میشود و فقیر را چنین تعریف کرده اند "کسی که وسیله امرارو معاش و تأمین زندگی سالیانه خود را نداشته باشد" ما میتوانیم ادعا کنیم که مفهوم و معنی فقیر هم مثل اغلب مفاهیم عرفی برحسب طول تاریخ و تغییرات

زندگی بشر و تفاوت وضع معیشت عمومی و بلمه برحسب تفاوت مناطق و شهرها در یک زمان متفاوت و متغیر است.

در روزگار و یا شهری که قوت غالب مردم نان جو باشد فقیر کسی است که برای نان جو سالیانه خود معطل باشد، ولی اگر قوت غالب یک شهر برنج شد هرگاه کسی دسترسی به برنج نداشته باشد فقیر محسوب میگردد هرچند بتواند نان گندم یا جو هم تهیه کند "فقیری را در رشت دیدم که استراحت می کرد و می گفت سه شب است نان گندم میخورم و به برنج دست نمی یابم" همین نسبت در تمام شئون زندگی از لباس، مسکن، خوراک و حتی وسائل تفریح و تجمل ثابت است و کسی که در آمد او کفاف زندگی عادی زمان را ندهد جزو فقرا بشمار می آید و در نتیجه هر چه سطح زندگی مردمی بالا رفت، معنی فقر در آن جامعه تغییر می کند و توسعه می یابد.

امروز اگر کسی پیاده مسافرت کند یا کفش نداشته باشد یا در یک زاغه یا چادر زندگی کند یا نان جوین بخورد، و بالاخره لباس کرباس بپوشد از فقرا خواهد بود در حالیکه روزگاری سفر پیاده کردن معمول همه طبقات بوده است. کفش را فقط متجملین میپوشیدند و همینطور...

آیا فقر در زمانهای مختلف تغییر می کند

و اکنون نتیجه عملی زکات و خمس و تعدیل طبقاتی که اسلام طرح ریزی کرده مشاهده می کنید از درآمد اغنیاء و طبقه ثروتمند یک دهم بعنوان خمس به طبقات خاصی از محرومین اجتماع و یک دهم و گاهی یک بیستم بعنوان زکات به طبقات دیگری از این مستمندان داده میشود.

این ریزش و انتقال ثروت از طبقات بالاتر به طرف طبقات محروم آنقدر ادامه خواهد یافت تا این سرازیری پر گردد و شکاف مسدود شود و تعادل در سطح زندگی این طبقات ضعیف یا سطح عادی مردم حاصل گردد و به اصطلاح روایت ابی بصیر "حتی یلحقهم بالناس" (تا با سطح

زندگی مردم مساوی گردند) و به اصطلاح روایات دیگری آنقدر این کمک مخارج ادامه می یابد که فقیر غنی گردد.

و توجه به بحث گذشته دربارهٔ معنی فقر به خوبی تعادلی را که در اثر این کمک مداوم و مستمر به طبقات ضعیف به وجود می آید نشان میدهد.

بخصوص که در روایت سماعه و عده ای دیگر از روایات مستحق زکات را فقط کسیکه قوت لایموت نداشته باشد ندانسته و کسانی را که خانه و نوکر هم دارند شامل شده و مصرف زکات تشخیص داده شده است و این خود بهترین تایید مدعای ماست. در روایت عبدالرحمن بن حجاج و روایاتی دیگر گرفتن زکات برای توسعه زندگی و بالا بردن سطح معاش مجاز دانسته شده و در روایت عاصم بن حمید برای بهبود معیشت و بهتر زندگی کردن دستور پرداخت زکات داده شده و گوشت و خرما که زندگی خوب آنزمان بوده مانع استحقاق زکات نبوده است تا آنجا که در ذیل همین روایت و روایات دیگر با کمال صراحت لفظ "وسعهم" بکار رفته که حکایت می کند حقوقی را که بر اغنیاء واجب است موجب توسعه معاش فقراست و اگر کافی نبود بیشتر واجب می شد و بالاخره هرچه سطح زندگی طبقات مرفه بالا رفت با پرداخت این حقوق سطح زندگی طبقات ضعیف را هم بالا خواهند برد و تعادل منطقی و صحیح که زائیده فکر نویسنده نبوده بلکه روایات گذشته با صراحت بر آن گواه است بوجود می آید.

کیفیت اجراء قانون زکات در این عصر

در اینجا یک حقیقت را باید بخوانندگان توجه دهیم در مذهب اسلام دستور پرداخت زکات و یا خمس بطور کلی صادر شده و نتایج آنهم بعرض رسید ولی اجراء این حکم الهی و طریق عملی کردن این قانون مقدس بعهدہ زمان واگذار شده است تا هر طریق که حاکم مسلمین مصلحت دید آنرا اجرا کند و تصور می رود برای آنکه پرداخت زکات شکل زننده ای پیدا نکند و آبروی کسانی را نریزد و فقرا را از کار باز ندارد می توان زکات و خمس را به شکل بیمه های

اجتماعی کارگران در آورد و به این ترتیب شکل پرداخت، آبرومند و ضررهای بخشش مجانی به بار نخواهد آمد.

کانون هائی که برای تامین معاش فقرائی که نقص عضوی دارند تشکیل می شود و در آنجا وسیله کار به فراخور امکان آنها در دسترسشان گذارده می شود از بهترین شکل های پرداخت زکات است. و بالاخره بهداشت و فرهنگ عمومی خود یکی از عملی ترین راههای موثر کمک بطبقات مستحق زکات شمرده می شود.

يك راه حل ديگر

راه حلی که بوسیله خمس و زکات برای تعدیل اختلاف طبقاتی در نظر گرفته شده است در حقیقت بالا بردن سطح زندگی طبقات محروم می باشد.

باید افزود که در دین اسلام راه حل دیگری نیز وضع و تدوین شده است که در واقع جلوگیری از ایجاد شکافهای عظیم اختلاف طبقاتی است.

قیود و محدودیتهائی که در این دین برای تحصیل ثروت، تشریح شده از حرمت ربا (جلوگیری از بانکداری) که اساس سرمایه داری امروز دنیا را بوجود آورده است، تحریم احتکار، جلوگیری از معاملات "جزاف" و "غرور" که احياناً موجب ثروت های بیکران است و گاه سبب ضرر می گردد و از این جهت به قمار شبیه است و بعد از همه جمع آوریهای ثروت و تمرکز سرمایه ارث یکباره سرمایه عظیمی را به چند سرمایه کوچک مبدل می کند و بنابراین می توان گفت غالباً ثروت های افسانه ای بوجود نمی آید این مطلب خود در خور یک مقاله فنی مفصل و دامنه دار میباشد، در دین اسلام سعی شده است از تظاهر به ثروتمندی جلوگیری شود تا حتی المقدور از ایجاد شکافهای عظیم و تجلی آنها در روحیه افراد پیشگیری گردد. ریخت و پاش (تبذیر و اسراف) حرام شده. مترفین در همه جا مورد ملامت واقع شده اند و یکی از اساتید بزرگ معتقد بود لباس شهرت یعنی لباسی که سبب مشهور شدن شخص شود به همین دلیل حرام شده است چه که تظاهر به تجمل خود سبب شهرت است.

اختلاف در چه موارد باقی می ماند؟ و آیا ضروری است؟

تا اینجا اختلاف طبقاتی از نظر سطح زندگی و کیفیت امرار معاش مطرح بود و راه حل پیشنهاد شده دین مقدس اسلام را مطالعه می کردیم.

اکنون اختلافات دیگر مردم از قبیل اختلاف در قوای بدنی، فکری، تفاوت در عواطف و اخلاق و استعداد صنعتی و هنری مطالعه نماییم.

در این مورد نه تنها در دین اسلام سعی برای برطرف کردن این اختلاف دیده نمی شود (برخلاف روش مارکسیسم) بلکه از پاره ای کلمات بزرگان اسلام استفاده می شود که وجود این تفاوت ها لازم و رحمت است.

همین تفاوت ها سبب می شود که وظایف گوناگون اجتماع را هر کس بر حسب استعداد خود به عهده بگیرد و هیچ وظیفه ای زمین نماند چه هر کس بر حسب ذوق و تخصص فکری و علمی خود کاری را متعهد می شود و جامعه از تخصص و تفاوت نیروی فکری و هنری و صنعتی او با دیگران بهره مند می شود.

و برای اینکه این تفاوت ها کدورتی ایجاد نکند و سبب تفاخری نشود و صمیمیت یک جامعه که به اعضا گوناگون نیازمند است به هم نخورد دستورات اخلاقی بسیار وسیعی برای وظایف افراد خانواده نسبت به یکدیگر و نسبت به همسایه و دوستان و استاد داده شده است و برای تعاون و همکاری و جلوگیری از هر نوع سوء تفاهم تاکیدات بلیغی به عمل آمده که خود در خور یک بحث مشروع و دامنه دار است.

کشورهای مرفه‌تر سرمایه‌داری با یک سلسله قوانین و اقدامات اصلاحی یک حداقل معیشت که شامل غذا، لباس، مسکن است برای طبقات محروم و ضعیف در نظر گرفته‌اند و بعقیده خود، درمان این آلام اجتماعی را نموده‌اند.

در برابر این نظریه باید گفت شما با این تصمیم مسلمانان توانسته‌اید از مرگ طبقات ضعیف و محروم جلوگیری کنید و با این ترتیب دیگر طفلی بچرا نمیرود. از بی‌دوایی کسی نمی‌میرد، در زمستان، هلاک از سرما اتفاق نمی‌افتد.

ولی آیا با اینوسیله این شکاف عظیم اختلاف طبقاتی را پر کرده‌اید؟ آیا این فاصله زیاد که بتدریج توسعه می‌یابد، باز برای اجتماع مشکلی ایجاد نمی‌کند؟ آیا زندگی تجملی و افسانه‌ای طبقه ثروتمند که برای ابد از دسترس طبقات محروم بدور است غضب و نارضایتی آنها را بر نمی‌انگیزد؟ آیا این دسته از خلق خدا که قوانین غلط اجتماعی آنها را محروم کرده است و هیچ نماینده‌ای در قانونگزاری و قوه مجریه ندارند، باید برای همیشه یک زندگی مرفه را در احلام و آرزوهای خود ببینند.

مرکز مطالعات قرارگاه شهید باقری
سازمان بسیج دانشجویی
آدرس: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع مفتح،
سازمان بسیج دانشجویی، ساختمان شهید باقری
شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۳۸۱۵۵۶
سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۰۳۵۲
نشانی اینترنتی: q-b.ir

